

دوگانگی امر سیاست و نیاز به درمان



علی دهقان

انتخابات ریاست‌جمهوری ایران فارغ از نتیجه‌ای که خواهد داشت، می‌تواند به‌عنوان یک تجربه بزرگ برای بازسازی امر سیاست-مشارکت از سوی صاحب‌نظران، اندیشمندان و نهادهای پژوهشی (دولتی و غیردولتی) استفاده شود. واقعیت آن است که در کشورهایی نظیر ایران که مشارکت شهروندان در ساخت بنای مشروعیت به‌عنوان یک مؤلفه تأثیرگذار بررسی می‌شود، قطعاً باید مشارکت‌نکردن یا فقدان مشارکت مطلوب، آتالیز و واکاوی شود. این یادداشت را می‌شد روز شنبه و بعد از اتمام انتخابات منتشر کرد اما ترجیح دادم یک روز قبل از برگزاری چهاردهمین دوره انتخابات ریاست‌جمهوری آن را منتشر کنم تا میناقی باشد از سوی یک رسانه عمومی با هر دو نامزدی که می‌خواهند فردا منتخب مردم باشند. چند سالی می‌شود نمودار مشارکت انتخاباتی در ایران از نقطه اشباع عبور کرده است و در سراسیمی حرکت می‌کند. به گمانم دلایل این اتفاق را نیز همه می‌دانیم. یا ست‌کم همه افرادی که به‌عنوان کارشناس یا کنشگری سیاسی و اجتماعی در ایران زندگی می‌کنند، به‌خوبی می‌دانند که چرا باید یک مرتبه ۶۰ درصد در فرایند انتخاب ریاست‌جمهوری چهاردهم شرکت نکنند. عادی‌ترین یا دورترین شهروندان از ساده‌ترین تحلیل‌های سیاسی و اجتماعی نیز دراین‌باره به نکته‌هایی اشاره می‌کنند که همه آنها می‌توانند تا حد زیادی صحیح باشند. در اینجا قصد ندارم دوباره به آن دلایل اشاره کنم، بلکه می‌خواهم خیلی واضح از وجود عناصر نامتوازن سیاسی سخن بگویم. از سوی دیگر با این وضعیتی که وجود دارد، هم‌زمان شاهد مشارکت ۴۰درصدی و گاهی تجمعات مدنی برای حمایت از نامزدهای ریاست‌جمهوری هستیم که بشخصه اسم آن را می‌گذارم کورسوی امید که نمی‌گذارد حداقل در شکل، امر سیاست در ایران از مشارکت، فاصله معناداری را نشان دهد. به عبارتی ما با دو موقعیت سیاسی و شهروندی مواجه هستیم؛ جامعه‌ای ۶۰درصدی که رای نمی‌دهند و یک جامعه ۴۰درصدی که به مشارکت اهمیت می‌دهند و در میان آنان شور و شوق انتخاباتی نیز در حد ایونت‌های مختصری شکل می‌گیرد. این ترازوی شاید نامتعادل هر چه هست، تصویر موجود امر سیاست در ایران و ارتباط آن با جامعه انسانی کشور (با منابع انسانی کشور) است. رئیس کابینه چهاردهم هر چهره‌ای که باشد، با این نوع تعادل ایرانی چه خواهد کرد؟ چه پرسش‌هایی را برای شناخت ماهیت این اتفاق در امر سیاست‌ورزی و مشارکت کشور طراحی کرده است؟ آیا دولت‌مردان بعد از دولت‌شدن به این امر واقف خواهند بود که بین مشارکت به‌عنوان اسیل‌ترین تعامل مردمی در امر سیاست با توسعه رابطه نزدیکی وجود دارد؟ اگر پذیرفته‌اند، برای جبران این فقدان تعادل مطلوب چگونه می‌خواهند فعالیت‌های عملیاتی را تعریف، تبیین و اجرا کنند؟ واقعیت آن است که قطعاً برخورد با چنین عارضه‌ای، به قصد اصلاح آن نیاز به اندیشه‌ای دارد که قادر به بسط گفت‌وگو و گسترش همزیستی مولد بین شهروندان از همه طبقات مختلف باشد. در غیر این‌صورت چگونه می‌شود این عارضه را به فرصتی برای بهبود مستمر امر مشارکت و سیاست‌ورزی تبدیل کند. نامزدهای ریاست‌جمهوری هرکدام به‌نوعی درباره شکست توازن سیاسی کشور سخن گفته‌اند اما تمام این گفت‌وگوها در قالب رقابت‌های انتخاباتی و برای اثبات توانایی‌های فردی یا گروهی بوده است. کلام در معرکه رقابت با رفتار و اندیشه در معرکه اجرا تفاوت زیادی دارد. از روز شنبه یک رسالت بزرگ وجود دارد و آن هم کم‌کردن فاصله میان این امید مقطعی و ناامیدی غیرمطمعی در جامعه است. در ظاهر این توازن یک جامعه متحرک را به وجود آورده است اما در باطن این اتعادلی دوجوهی، دو حرکت متفاوت به دو سوی متفاوت را نشان می‌دهد که به توسعه آسیب می‌زند. ساده‌ترین کار به گمانم می‌تواند گشایش در کار، صبر عمل‌گرا و عقلانیت غیرجناحی باشد. تجربه سه سال گذشته در انتخاب مدیران و راهبران اجرائی کشور فقط از یک حداقل بسیار مختصر شهروندان گروه‌هایی را به وجود آورده است که به نوع خود می‌تواند بزرگ‌ترین مانع برای بسط گفت‌وگو و هم‌گرایی باشد. کابینه و پیکر اجرائی کشور ملگ جنجالی نیست، باید همه مجال گفت‌وگو و اندیشیدن را در آن داشته باشند، به گونه‌ای که شایستگان امکان خدمت پیدا کنند. پیشرفت را نمی‌توان عضو هیچ حزب و دسته‌ای کرد. این گریز از محدوده کوچک عمل جنجالی می‌تواند نخستین قدم و البته جدی‌ترین آن برای رفع دوگانگی بزرگ سیاست در کشور باشد. برنده انتخابات چهاردهم از روز شنبه برای ایران لطفاً به گشایش در دید و اندیشه اجرا وفادار بماند.

پنجشنبه ۱۴ تیر ۱۴۰۳
۲۷ ذی‌الحجه ۱۴۴۵
۴ جولای ۲۰۲۴
سال بیست‌ویکم
شماره ۴۸۷۱
۲۰ هزار تومان
۱۲ صفحه

روزنامه شرق

در «شرق» امروز می‌خوانید:

در «شرق» امروز می‌خوانید: یک کشور اروپایی دیگر به ورزشکاران ایرانی ویزا نداد • زمینه‌سازی برای جایگزین بایدن • چگونه هوش مصنوعی از سازنده‌اش خلاق‌تر و هوشمندتر می‌شود

جمعه روز سرنوشت‌سازی برای فردای ایران است و مردم بازیگران اصلی زمین سیاست‌ورزی هستند

روزی برای «ما»



این گزارش را در صفحه ۲ بخوانید. عکس: علی شریف‌زاده،ایرنا

یادداشت

کرسنت، خاتون و جام شکسته



ناصر ذاکری

کارشناس اقتصادی

یکی از ویژگی‌های بارز نظام مدیریتی ما این است که همان اندازه که در برخورد با تخلفات کوچک کارمندان جزء، عصبانی شده، رگ گردن کلفت می‌کنیم و با سرعت فرد متخلف را به سزای عملش می‌رسانیم، در برابر تخلفات و خطاهای مسئولان بالاتر سکوت پیشه کرده و خیلی به روی خودمان نمی‌آوریم؛ گویی آنان از یک نوع مصونیت نانوشته برخوردار هستند. وقتی راننده فلان اداره با بی‌توجهی خود باعث می‌شود روی بدنه خودرو اداره خط بینند، راننده بینوا را جریمه کرده و هزینه تعمیر خودرو را از حقوق ناچیزش کسر می‌کنیم. اما وقتی فلان مقام مافوق با تصمیم نابخردانه‌اش خسارت میلیاردی می‌زند، آب از آب تکان نمی‌خورد! چند سال پیش در یادداشتی در همین رابطه به ضرب‌المثلی اشاره کردم که هم‌وطنان آذربایجانی یا طزاری تمام در این‌گونه موارد به کار می‌گیرند: «ظرفی که خاتون بشکند، صدا ندارد». بله، کلفت بینوا اگر کاسه‌ای گلین را بشکند، باید جریمه شود و احتمالاً شب گرسنه بخوابد، اما اگر خود خاتون ظرفی گران‌قیمت بشکند، کسی صدای افتادن و شکستن آن ظرف را نخواهد شنید!

پرونده کرسنت بهترین شاهد این مدعاست. تصمیم ناپجایی گرفته شده و خسارتی بزرگ به کشور وارد کرده که فقط ارزش پولی آن از ارزش کل ناوگان خودروی کشور اعم از دولتی و خصوصی بیشتر است، اما همان کسانی که نگران خط‌افتادن گل‌گیر خودرو اداره هستند، هرگز به فکر بازخواست از کسی و تعیین میزان سهم هر فرد مسئول در این خطای بزرگ نیستند.

خلاصه پرونده کرسنت به کوتاه‌ترین بیان این است که مسئولان اجرائی وقت قراردادی بسته‌اند که نهادهای ناظر آن را خسارت‌بار دانسته و از اجرائیش جلوگیری کرده‌اند. به این ترتیب از یک سو کشور از جریان درآمدی مستمر محروم شده و از سوی دیگر با شکایت طرف قرارداد، محکوم به پرداخت خسارت‌های قابل‌ملاحظه شده است.

بی‌تردید در بررسی این پرونده مهم و ارزنجایی کارنامه مجریان و منتقدان نمی‌توان به بیان مطالب در سطح کلی‌گویی یا ایراد اتهام بدون ارائه اسناد بسنده کرد. در این بررسی توجه به نکات زیر ضرورت دارد:

۱ - مخالفان قرارداد می‌گویند در این قرارداد به‌نوعی ارزان‌فروشی صورت گرفته و خریدار با پرداخت رشوه به این امتیاز دست یافته است.

۱

از میزان غرامت احتمالی چه سیاستی در پیش گرفته و نتیجه چه بوده است؟

با مروری بر منازعات بی‌پایان مرتبط با پرونده و گزارشات شفاهی که گاه و بیگاه در قالب «افشاکری» منتشر می‌شود، می‌توان این ادعا را پذیرفت که این پرونده بسیار مهم با ابعاد ملی هرگز به درستی ارزنجایی و داوری نشده است. گویی برخی محافل آن را همچون استخوان لای زخم نگه داشته‌اند تا در زمان تبلیغات انتخاباتی همچون چماقی سنگین و سهمگین بر سر طرف مقابل بکوبند و رای‌دهندگان را نسبت به او بدبین کنند. در مناظره‌های انتخابات اخیر نیز همین روند تکرار شد و دو نفر از نامزدها با بیان مطالبی درباره این پرونده و البته بدون ارائه اسناد تلاش کردند از اعتبار رقیب انتخاباتی خود بکاهند. در مقابل آقای زنگنه، وزیر اسبق نفت که قرارداد در زمان وزارت ایشان بسته شده، آنان را به مناظره دعوت کرد تا دو طرف با ارائه اسناد و مدارک ادعایشان را در محکمه‌ای مردمی رو کنند. دعوت به مناظره از سوی

آقای زنگنه وزیر نفت همچنان روی میز است و طرف مقابل پاسخی نمی‌دهد. شاید گفته شود الان زمان انتخابات است و نامزدها گرفتار تبلیغات هستند، اما یقیناً در زمان بعد از انتخابات هم چنین خواهد بود و مدعیان تمایلی به این‌گونه مناظره‌ها نشان نخواهند داد تا زمان انتخابات بعدی فرا برسد! اما نکته آخر: ملت مظلوم ایران در سایه جروبحث مرتبط با پرونده کرسنت مال زیادی از کف داده است؛ هم از درآمد فروش گازی که سوزانده می‌شد و هدر می‌رفت، محروم شده و هم بابت عدم اجرای قرارداد محکوم به پرداخت خسارتی هنگفت شده، و مهم‌تر از آن حق مسلم او یعنی «بیشتردانستن درباره پرونده» نادیده گرفته شده است. منتقدان قرارداد کرسنت حاضر نیستند به ملت مظلوم ایران کمک کنند تا بتوانند در پرتو اطلاعات صحیح قضاوت کند که از صدرصد خسارت تحمیلی سهم تیمی که قرارداد را بسته و تیم دیگری که دستور عدم اجرای قرارداد را داده، چقدر است. آنان حاضر نیستند گزارشی شفاف و البته با اسناد و مدارک در اختیار مردم بگذارند تا مردم بتوانند خائن و خادم را بیشتر بشناسند. آری، خاتون جامی زرین را بر زمین زده و شکسته و طبق معمول صدای این شکستن را از اهل خانه پنهان کرده است!

رهبر انقلاب در دیدار تولیت جدید، مدیران و جمعی از اساتدان مدرسه عالی شهید مطهری:

مرحله دوم انتخابات

ریاست‌جمهوری

بسیار مهم است

۳

برگزیده‌ها

«شرق» دیدگاه‌های اقتصادی ۲ نامزد انتخابات ریاست‌جمهوری را در مناظره آخربررسی می‌کند

نبرد آخر

۴

دولت جدید لایحه حمایت از افراد دارای اختلالات روان را به رسمیت بشناسد

۱۰

واکنش وزارت صنعت به گزارش «شرق»

بازار خودرو شفاف شد

۸

محسنی‌اژه‌ای:

مشارکت در انتخابات بر اعتبار داخلی و بین‌المللی مان می‌افزاید

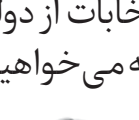
۲

گزارش توصیفی از وضعیت اشتغال زنان در معبرهای شهری و آفت‌هایی که درآزمزایی آنان را تهدید می‌کند

روایتی زنانه از زیر پوست شهر

۱۱

شب انتخابات از دولت آینده چه می‌خواهیم؟



ترانه یلدا

معمار و شهرساز

تمام فضای کشور را تب انتخابات به شکل غربیی فراگرفته است. اما ورای اینکه رای بدهیم یا به چه کسی رای بدهیم، این فضا باعث شد انتظارات گروه‌های مختلف از دولتی که بخواهد سر کار بیاید، بار دیگر در محافل اجتماعی و حرفه‌ای و نیز در گروه‌های دوستانه یا خانوادگی مطرح شده و ایشان بار دیگر به خودشان و به دولت یادآور شوند که چه عملکردی را از دولت آینده در زمینه‌های مختلف خواستارند. واقعیت این است که خواسته‌ها آن‌قدر زیادند که همه مردم به کمتر نیز راضی شده‌اند. بسیاری از نخبگان و روشنفکران در همه گروه‌های سنی را می‌بینیم که می‌گویند ما فقط می‌خواهیم بدون مزاحمت زندگی کنیم. مردم عادی هم به برابری و احترام در برابر قانون دلخوش‌اند. می‌خواهند شهرهای مان بیش‌ازاین مترکم نشوند. مثل بقیه دنیا بتوانیم در شهرهای شلوغ هوای پاک تنفس کنیم. اگر ماشین نداریم (۴۴ درصد مردم) باکی نیست، نگذارید در پیاده‌رو خیابان‌ها زیر چرخ موتورسیکلت‌های بی‌قانون له شویم. می‌گویند خانه‌های اجتماعی و حمل‌ونقل عمومی با یک اشتغال ساده و کار بخور و نمیر حق ماست. بدیهی است اینها همه مستلزم یک حکمرانی خوب از سوی دولت، پلیس و شهرداری‌هاست. مدیریت جامع، هماهنگ و نظام‌مند منابع حیاتی (هوا، آب، خاک و تنوع زیستی) مبتنی بر توان و پایداری زیست‌بوم، از وظایف دولت است. واگر جمعیت هم بخواهد طبق تجربه ۵۰ سال اخیر افزایش یابد، ناچاریم در شهرها و در بخش صنعت و کشاورزی کنترل‌هایی را بر مصارف آب و انرژی اعمال کنیم (بر چاه‌های عمیق پرشمار، سیستم‌های کهنه و فرسوده سرمایه‌ی -گرمایشی و...)، پس افزایش ظرفیت‌ها و توانمندی‌های ساختاری و تکنولوژیک از طریق آموزش و واردکردن دانش جدید و وسایل بهره‌وری از آن، اجتناب‌ناپذیر می‌کند.